

بیانات معظم له در دیدار اعضاء جمعیت هلال احمر، مسؤولین بنیاد شهید و اقشار مختلف مردم - 29 شهریور / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

در ابتدا از همه‌ی شما برادران و خواهران، بخصوص علمای اعلام و خانواده‌های عزیز شهدا و اسرا و مفقودان و جانبازان و همچنین خدمتگزاران به این عزیزان، که از نقاط مختلف کشور و از سازمانها و دستگاههای گوناگون تشریف آورده‌اید، صمیمانه تشکر می‌کنم و امیدوارم این سازمانهای امدادگر - مانند هلال احمر و بنیاد شهید - خدمات ارزنده‌ی خود را نسبت به کسانی که در حقیقت گل‌های سرسبد جامعه‌ی ما هستند، به بهترین وجه ادامه بدهند و خاطره‌ی شهدای گرانقدر را، در فعالیتهای فرهنگی و هنری و تبلیغی حفظ کنند.

امروز، به مناسبت نزدیک شدن به شب اربعین حضرت سیدالشهداء (علیه‌الصلاه والسلام) که ارتباط تام و تمامی با همین تلاش با ارزشی که در روزگار ما برای احیای یاد و نام شهیدان انجام می‌گیرد، دارد، مطالبی را مطرح می‌کنم. اساساً اهمیت اربعین در آن است که در این روز، با تدبیر الهی خاندان پیامبر (ص)، یاد نهضت حسینی برای همیشه جاودانه شد و این کار پایه‌گذاری گردید. اگر بازماندگان شهدا و صاحبان اصلی، در حوادث گوناگون - از قبیل شهادت حسین بن علی (علیه‌السلام) در عاشورا - به حفظ یاد و آثار شهادت کمر نبندند، نسلهای بعد، از دستاورد شهادت استفاده‌ی زیادی نخواهند برد.

درست است که خدای متعال، شهدا را در همین دنیا هم زنده نگه می‌دارد و شهید به طور قهری در تاریخ و یاد مردم ماندگار است؛ اما ابزار طبیعی‌یی که خدای متعال برای این کار - مثل همه‌ی کارها - قرار داده است، همین چیزی است که در اختیار و اراده‌ی ماست. ما هستیم که با تصمیم درست و بجای، می‌توانیم یاد شهدا و خاطره و فلسفه‌ی شهادت را احیا کنیم و زنده نگهداریم.

اگر زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) و امام سجاد (صلوات‌الله‌علیه) در طول آن روزهای اسارت - چه در همان عصر عاشورا در کربلا و چه در روزهای بعد در راه شام و کوفه و خود شهر شام و بعد از آن در زیارت کربلا و بعد عزیمت به مدینه و سپس در طول سالهای متمادی که این بزرگواران زنده ماندند - مجاهدات و تبیین و افشاگری نکرده بودند و حقیقت فلسفه‌ی عاشورا و هدف حسین بن علی و ظلم دشمن را بیان نمی‌کردند، واقعه‌ی عاشورا تا امروز، جوشان و زنده و مشتعل باقی نمی‌ماند.

چرا امام صادق (علیه‌الصلاه والسلام) - طبق روایت - فرمودند که هر کس يك بيت شعر درباره‌ی حادثه‌ی عاشورا بگوید و کسانی را با آن بیت شعر بگریاند، خداوند بهشت را بر او واجب خواهد کرد؟ چون تمام دستگاههای تبلیغاتی، برای منزوی کردن و در ظلمت نگهداشتن مسأله‌ی عاشورا و کلاً مسأله‌ی اهل بیت، تجهیز شده بودند تا نگذارند مردم بفهمند چه شد و قضیه چه بود. تبلیغ، این‌گونه است. آن روزها هم مثل امروز، قدرتهای ظالم و ستمگر، حداکثر استفاده را از تبلیغات دروغ و مغرضانه و شیطنت‌آمیز می‌کردند. در چنین فضایی، مگر ممکن بود قضیه‌ی عاشورا - که با این عظمت در بیابانی در گوشه‌یی از دنیای اسلام اتفاق افتاده - با این تپش و نشاط باقی بماند؟ یقیناً بدون آن تلاشها، از بین می‌رفت.

آنچه این یاد را زنده کرد، تلاش بازماندگان حسین بن علی (علیه‌السلام) بود. به همان اندازه که مجاهدت حسین بن علی (علیه‌السلام) و یارانش به عنوان صاحبان پرچم، با موانع برخورد داشت و سخت بود، به همان اندازه نیز مجاهدت زینب (علیها‌السلام) و مجاهدت امام سجاد (علیه‌السلام) و بقیه‌ی بزرگواران، دشوار بود. البته صحنه آنها، صحنه‌ی نظامی نبود؛ بلکه تبلیغی و فرهنگی بود. ما به این نکته‌ها باید توجه کنیم.

درسی که اربعین به ما می‌دهد، این است که باید یاد حقیقت و خاطره‌ی شهادت را در مقابل طوفان تبلیغات دشمن زنده نگهداشت. شما ببینید از اول انقلاب تا امروز، تبلیغات علیه انقلاب و امام و اسلام و این ملت، چه قدر پرچم بوده است. چه تبلیغات و طوفانی که علیه جنگ به راه نیفتاد جنگی که دفاع و حراست از اسلام و میهن و

حیثیت و شرف مردم بود. ببینید دشمنان علیه شهدای عزیزی که جانشان - یعنی بزرگترین سرمایه‌شان - را برداشتند و رفتند در راه خدا نثار نمودند، چه کردند و مستقیم و غیرمستقیم، با رادیوها و روزنامه‌ها و مجله‌ها و کتابهایی که منتشر می‌کردند، در ذهن آدمهای ساده‌لوح در همه جای دنیا، چه تلقینی توانستند بکنند. حتی افراد معدودی از آدمهای ساده‌دل و جاهل و نیز انسانهای موجه و غیر موجهی در کشور خودمان هم، در آن فضای ملتهب جنگ، گاهی حرفهایی می‌زدند که ناشی از ندانستن و عدم احاطه به حقایق بود. همین چیزها بود که امام عزیز را برمی‌آشفته و وادار می‌کرد که با آن فریاد ملکوتی، حقایق را با صراحت بیان کند. اگر در مقابل این تبلیغات، تبلیغات حق نبود و نباشد و اگر آگاهی ملت ایران و گویندگان و نویسندگان و هنرمندان، در خدمت حقیقتی که در این کشور وجود دارد، قرار نگیرد، دشمن در میدان تبلیغات غالب خواهد شد. میدان تبلیغات، میدان بسیار عظیم و خطرناکی است. البته، اکثریت قاطع ملت و آحاد مردم ما، به برکت آگاهی ناشی از انقلاب، در مقابل تبلیغات دشمن بیمه هستند و مصونیت پیدا کرده‌اند. از بس دشمن دروغ گفت و چیزهایی را که در مقابل چشم مردم بود، به عکس و واژگون نشان داد و منعکس کرد، اطمینان مردم ما نسبت به گفته‌ها و بافته‌ها و یاوه‌گوییهای تبلیغات جهانی، بکلی سلب شده است.

دستگاه ظالم جبار یزیدی با تبلیغات خود، حسین بن علی (ع) را محکوم می‌ساخت و وانمود می‌کرد که حسین بن علی (ع) کسی بود که بر ضد دستگاه عدل و حکومت اسلامی و برای دنیا قیام کرده است!! بعضی هم، این تبلیغات دروغ را باور می‌کردند. بعد هم که حسین بن علی (علیه السلام)، با آن وضع عجیب و با آن شکل فجیع، به وسیله‌ی دژخیمان در صحرائی کربلا به شهادت رسید، آن را یک غلبه و فتح وانمود می‌کردند! اما تبلیغات صحیح دستگاه امامت، تمام این بافته‌ها را عوض کرد. حق، این گونه است. درست است که ما بلندگوهای قوی جهانی را که در اختیار استکبار و رسانه‌های صهیونیستی است، با آن عظمت و وسعت در اختیار نداریم و شبکه‌های تبلیغاتی آنها، بسیار وسیعتر از ماست و ما نسبت به آنها محدود هستیم؛ اما حقانیت ما موجب می‌شود که وقتی حرفی از زبان مسؤولان جمهوری اسلامی و ملت ایران صادر بشود، در دل‌های سالم و در سطح جهان، اثر می‌کند.

این همه سعی کردند با تبلیغاتی که استکبار جهانی آن را هدایت و برنامه‌ریزی می‌کرد، وانمود کنند که ملت ایران در مواجهه با کید جهانی استکبار شکست خورده است. این بی‌عقل‌های همسایه‌ی ما در عراق هم باورشان آمد که واقعا این گونه است! به همین خاطر، در تبلیغات خودشان همواره تکرار کردند و گفتند که ما پیروز شدیم! سعی کردند چهره‌ی فاتح به خودشان بدهند؛ ولی همه‌ی آدم‌های منصف و سالم دنیا، حقیقت را فهمیدند و دریافتند آن کسی که در این جنگ پیروز شد، ملت ایران بود و آن کسی که شکست خورد، رژیم عراق بود.

همه‌ی عقلای عالم، قضاوت و تشخیصشان در مورد رژیمی که با های و هوی، جمعیتی را برای گرفتن نقطه‌ی تصرف منطقه‌ی تجهیز می‌کند، واضح است. فرضا شما خانه‌ی دارید و دزد یا گردن کلفتی، جمعیتی را برمی‌دارد و با های و هوی می‌آید تا این خانه را از دست شما خارج کند. به آن جا می‌آید و مدتی عربده‌کشی می‌کند و مدتی متوقف می‌شود و بعد هم افرادش را از دست می‌دهد و خسارات زیادی بر او وارد می‌آید و زخم می‌خورد و بعد از گذشت مدتی، ناکام برمی‌گردد و می‌رود. قضاوت مردم دنیا و عقلا، نسبت به چنین آدمی چیست؟

شکستی بالاتر از این نیست که رژیم عراق به قصد تجزیه‌ی ایران - که صریحا هم آن را گفت - و به قصد ضربه‌زدن به نیروهای مسلح و نابود کردن آنها راه افتاد و تقریبا از تمام دنیا - شرق و غرب و اروپا و آمریکا و بعضی از کشورهای جهان سوم و ارتجاع عرب - کمک مالی و انسانی و فکری و تجهیزاتی گرفت و تا نزدیک مرزهای جمهوری اسلامی آمد. مدتی معطل شد، های و هوی کرد، عربده کشید، کارهای خلاف کرد، خودش را بدنام نمود، حیثیت سیاسی و اجتماعیش را در دنیا لکه‌دار کرد و آخرش هم دست از پا درازتر برگشت!!

می‌خواستند جمهوری اسلامی را از بین ببرند؛ اما نظام ما روزبه‌روز قویتر شد. می‌خواستند کشور را تجزیه کنند؛ ولی بحمدالله یکپارچگی کشور در حد اعلی قرار گرفت. می‌خواستند نیروهای مسلح ما را از بین ببرند؛ لیکن امروز

نیروهای مسلح ما سازمان یافته و کارآزموده و مجرب و قوی و آماده‌ی دفاعند. می‌خواستند ملت ایران را نسبت به انقلاب و اسلام بدبین کنند؛ اما همه‌ی دنیا شاهدند و می‌بینند که روزبه‌روز ایمان و اخلاص و آمادگی و حضور و رشد و آگاهی این ملت و پایبندی‌شان نسبت به اسلام و انقلاب، بیشتر شده است.

این، شکست بزرگی برای دشمن بود و ملت ایران که با اتکال به خدا و با ایثار و فداکاری ایستاد و مانع از این شد که دشمن به هدفهای شوم خود برسد، پیروز است. پیروزی یعنی همین. این، بزرگترین پیروزی است که انسان بتواند بدون تکیه به دیگران بایستد و دشمن را دفع کند. بحمدالله، این پیروزی برای ملت ایران پیش آمد.

ما در آستانه‌ی هفته‌ی جنگ تحمیلی قرار داریم. روزهایی که در پیش است، به یاد سالهای جنگ و آن همه امتحان و ابتلای ملت ایران، برپا می‌شود و باید دایما این فکر را برای ملت ایران تجدید کند که در جنگ تحمیلی، پیروزی و موفقیت ملت ما، به برکت اتحاد و یکپارچگی و اتکالی به خدا و عدم اتکالی به دیگران و آمادگی برای فداکاری، پیش آمد. ملت ایران، باید این خصوصیات را برای خودشان حفظ کنند تا اگر فکر تجاوز در ذهن کسی و یا متجاوز هم وجود دارد، آن فکر از ذهنهای دشمنان و متجاوزان بکلی رفع بشود.

البته، ما بعد از آن که قطعنامه‌ی 598 را قبول کردیم، پایبندی ما نسبت به مواد این قطعنامه، تاکنون باقی است و باقی خواهد بود. دشمن و رژیم عراق، در اجرای قطعنامه تعلل می‌کنند و متأسفانه فشار لازم از سوی سازمان ملل و دیگر محافل بین‌المللی، بر عراق وارد نیامده است. باید فشار وارد می‌آوردند، باید همان کسانی که این قطعنامه را تصویب کردند و برای اجرایش، آن همه حرف زدند و تبلیغات کردند، عراق را به اجرای آن قطعنامه وادار می‌کردند. رژیم عراق تعلل کرد و تاکنون اولین بند قطعنامه اجرا نشده است. ما مصرا روی این مطلب تکیه و تأکید داریم که باید مواد قطعنامه، یکی پس از دیگری اجرا بشود. این که شعار گفتگو و مذاکره‌ی مستقیم را مطرح می‌کنند، اگر به معنای تعطیل ماندن مواد قطعنامه است، به هیچ وجه مورد قبول نیست. گفتگو و مذاکره‌ی مستقیم خوب است؛ لیکن مواد قطعنامه که تضمین‌کننده‌ی حقوق هر دو کشور است و حق را به حقدار می‌دهد، باید اجرا بشود و ما روی این مسأله تأکید داریم. قدرت ملت ما، پشتوانه‌ی این قضیه است و با جنجال و هیاهو و تبلیغات هم نخواهند توانست ما را از چیزی که بر آن تأکید و پافشاری کردیم، منصرف کنند.

باید مواد قطعنامه اجرا بشود و اولین قدم، عقب‌نشینی دشمن از مرزهایی است که اشغال کرده است. کم یا زیاد آن، مطرح نیست؛ مهم این است که همان مقداری که دشمن اشغال کرده، باید پس دهد. عدم عقب‌نشینی دشمن به مرزهای بین‌المللی، تهدید صلح در منطقه است. این، همان خوی تجاوزگری است که ما چند سال آن را به رژیم عراق نسبت دادیم؛ ولی عده‌ی باور نمی‌کردند؛ لیکن حالا ثابت می‌شود.

وقتی که آتش بس انجام شد، باید نیروها به مرزهای بین‌المللی عقب‌نشینی کنند. آن که عقب‌نشینی نمی‌کند، او متجاوز است. این، اولین قدم است که حتماً باید انجام بگیرد و انجام خواهد گرفت؛ زیرا همه‌ی دنیا می‌دانند که یک ملت انقلابی، تحمل نخواهد کرد که یک وجب از خاک او، دست دشمن باشد.

امیدواریم که خداوند به همه‌ی شما برادران و خواهران، مخصوصاً کسانی که خدمتگزار خانواده‌های عزیز شهدا و اسرا و جانبازان و مفقودان هستند، توفیق بدهد. همان طور که امام و رهبر عظیم‌الشان فقیدمان بارها می‌فرمودند، اینها ولی‌نعمتهای حقیقی ملتند و کسانی هستند که قدرت و صلابت امروز ملت و دولت ایران در دنیا، به برکت فداکاری و ایثار آنهاست. امیدواریم خداوند ملت عزیز و بزرگ ما را به عالیترین آرمانها و آرزوهایش - که پیروزی کامل اسلام و مسلمین است - برساند.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته